

سازمان پرورش افکار



هنرستان هنرپیشگی

جلال ستاری



فهرست

۱	مقدمه
۹	کارنامه سازمان
۵۴	نقد و نظر
۷۰	هنرستان هنرپیشگی
۹۱	پیوست‌ها
۱۳۷	منابع

کارنامه سازمان

سازمان پرورش افکار به فرمان رضاشاه و بنا به تصویب‌نامه هیئت وزیران در ۱۲ دی‌ماه ۱۳۱۷ در تهران بنیان یافت و مشتمل بود بر یک هیئت مرکزی در تهران به ریاست کفیل وزارت فرهنگ و نظارت احمد متین‌دفتری، وزیر دادگستری، که اعضای برجسته‌اش عیسی صدیق و علی شایگان و دکتر قاسم غنی و بدیع‌الزمان فروزانفر و غلامرضا رشید یاسمی بودند^۱ و شعبه‌هایی در شهرستان‌ها و پنج کمیسیون فرعی رادیو و نمایش و کتاب‌های درسی و موسیقی و مطبوعات و نیز آموزشگاه‌هایی در تهران برای تربیت سخنران و نویسنده و تعلیم شیوه پرورش افکار داشت. به‌علاوه (در نخستین جلسه هیئت مرکزی در سازمان پرورش افکار در دی‌ماه ۱۳۱۷)، مقرر شد که رؤسای فرهنگ شهرستان‌ها برای کسب آموزش‌های لازم به تهران فراخوانده شوند و کمیسیونی برای اعطای جوایز به نویسندگان و هنرپیشگان و آهنگ‌سازان برجسته^۲ و سخنرانان برگزیده بنیاد شود.^۳

در جلسه هیئت مرکزی سازمان در بهمن‌ماه ۱۳۱۷ اساسنامه پرورش افکار در دانشکده‌ها در شش ماده به تصویب رسید. در اخبار آمده است که «بر طبق

۱. اغلب متصدیان و رؤسای سازمان پرورش افکار، کارمندان عالی‌رتبه دولت و وزراء و مدیران کل بودند.
۲. «بهترین آهنگ‌های ملی که طبق اصول علمی تنظیم و از نظر پرورش افکار مفید باشد». کمیسیون موسیقی، اطلاعات، ۶ اسفند ۱۳۱۷.

۳. برگزاری «مجالس رایزنی» (در ۱۲ دی‌ماه ۱۳۱۷) برای «بررسی راهکارهای مناسب پرورش افکار». و نه در ۲۲ دی‌ماه ۱۳۱۷ که اشتباه است و بارها در بعضی نوشته‌ها به غلط تکرار شده است.

این اساسنامه استادان دانشکده‌ها علاوه بر تدریس مواد اختصاصی باید ضمن تدریس، فکر دانشجویان را در زمینه وظیفه‌شناسی و ایمان و علاقه به زندگی جدید و فداکاری در راه مصالح میهن پرورش دهند و در هر دانشکده، سالی چند جلسه سخنرانی برای این منظور تشکیل و ضمناً تکالیف اخلاقی و آئین مشاغل و حرفی که فارغ‌التحصیل‌های هر دانشکده به عهده خواهند داشت ضمن دروس مخصوصی به آنان آموخته شود.

در جلسه مورخ ۷ تیر ۱۳۱۸ مقرر شد که در ایام تابستان، استادانی برای سخنرانی و راهنمایی سخنرانان محلی و آموزش شعب سازمان پرورش افکار به نقاط مختلف کشور اعزام شوند و در جلسه مورخ مهر ۱۳۱۸ به قول منابع رسمی «گزارش آنان مورد بررسی قرار گرفت، منجمله گزارش آقای دکتر شفق نماینده اعزامی به شهرستان‌های قزوین، زنجان، مراغه، اردبیل، مرند، خوی، رضائیه، کرمانشاه، همدان و تبریز که در جلسات شعب سازمان پرورش افکار شرکت جسته و تعلیمات هیئت مرکزی را به هر شعبه اطلاع داده و ابلاغ کرده و راهنمایی‌های لازم را در اجرای اساسنامه به عمل آورده و به علاوه در چندین شهرستان مانند رضائیه، تبریز و همدان شخصاً در زمینه مسائل مربوط به پرورش افکار در حضور جمع کثیری سخنرانی کرده‌اند».

سخنرانی‌های پرورش افکار، که موضوعات آنها را کمیسیون‌هایی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌ها تهیه کرده و به اطلاع هیئت مرکزی می‌رسانند، در فصل زمستان عمدتاً در تالار دارالفنون و کانون بانوان (که به ریاست صدیقه دولت‌آبادی در ۱۳۱۴ به وجود آمد) برگزار می‌شد، اما هیئت مرکزی سازمان پرورش افکار در جلسه مورخ خرداد ۱۳۱۸ تصمیم گرفت که «مجالس تابستانی (برخلاف جلسات زمستانی که در تالار دارالفنون و کانون بانوان برگزار می‌شد) از ماه تیر تا ماه مهر شب‌های جمعه در باغ فردوس شمیران تشکیل شود و هر جلسه مرکب از یک سخنرانی و یک لطیفه و دو سرود و چند قطعه موسیقی باشد و ماهی یکم‌رتبه نمایشی در زمینه موضوعات مربوط به پرورش افکار از طرف کمیسیون نمایش داده شود».

این مجالس سخنرانی (از ۱۳۱۸ به بعد در فصل تابستان) در باب «ترقیات کشور و اصلاحات نوین» غالباً در حضور نخست‌وزیر و وزرا و رؤسای ادارات و

استادان دانشگاه و دانشجویان و گروهی از ساکنین شهر و شمیران با سرودخوانی دانش‌آموزان و هنرآموزان هنرستان موسیقی گشایش می‌یافت (سرود ستایش شاه، سرود مهر شاه، سرود میهن، سرود خرد)^۱ و پس از سخنرانی، استادان هنرستان عالی موسیقی آهنگ‌های ایرانی و خارجی می‌نواختند و در پایان، هنرجویان و استادان هنرستان هنرپیشگی، نمایش‌های «عبرت‌آور نشاط‌انگیز» می‌دادند. از این رو مجالس تابستانی، مجالس شب‌نشینی نامیده می‌شد و حضور در این جلسات برای عموم آزاد بود.

به‌علاوه برای پرورش افکار سالمندان و اولیای دانش‌آموزان در پایتخت، هر هفته جلسات سخنرانی همراه با سرود و موسیقی در چهار نقطه شهر برگزار می‌شد: شمال شهر، مرکز شهر، غرب شهر، جنوب شهر. همچنین برای پرورش افکار بانوان نیز جلسات سخنرانی‌های خاصی در تالار کانون بانوان ترتیب می‌یافت و ضمناً مقرر شد که در هریک از کمیسیون‌های پرورش افکار، بانویی صاحب‌نظر در مورد بانوان صحبت کند. این سخنرانی‌ها نه فقط در چهار گوشه تهران، بلکه در همه شعب سازمان پرورش افکار در سراسر ایران، برای دبیران و سالمندان و دانش‌آموزان و غیره در حضور مقامات رسمی شهر صورت می‌گرفت. در این مجالس پیرامون «مسائل اجتماعی، اخلاقی، پرورشی، بهداشتی و اصول زندگانی نوین و موضوعات مربوط به ترقیات کشور و شاه‌پرستی و میهن‌پرستی از طرف آقایان پزشکان و دبیران که دوره آموزشگاه پرورش افکار را طی کرده‌اند و دانشجویان دانشکده‌ها سخنرانی»^۲ می‌شد.

همچنین مقرر شد که سخنرانی‌هایی «ساده و روشن و همه‌فهم» همه‌روزه در رادیو (پس از آنکه به کار افتاد) ایراد شود در باب اوضاع جغرافیایی و مزایا و مشخصات طبیعی و جوی و نباتی و حیوانی و موقعیت صنعتی و کشاورزی هر منطقه و چگونگی «زندگانی مردم و آداب و رسوم و اخلاق و زبان و لباس و معتقدات اهالی در گذشته و حال و شرح و وصف آثار هر محل اعم از تاریخی و جدید و سوابق هریک» که ترجیحاً باید توسط «مطالعین و دانشمندان محلی» تهیه

۱. آهنگ سرود فوریه به مناسبت عروسی، از غلامحسین مین‌باشیان رئیس اداره موسیقی کشور و شعرش از بهار بود.

۲. اطلاعات، ۱۹ آبان ۱۳۱۸.